

دوتا ۳۲۹	عهد جدید / ۲۶
	اول و دوم تسالونیکیان
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم دوم)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه درس‌ها، فرصت خواهید یافت تا با کتابمقدس بیشتر آشنا شوید. هنگامی که به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. در برنامه امروز، دو رساله تسالونیکیان را بررسی خواهیم کرد. در این برنامه در مورد نویسنده این دو رساله، مخاطبین آنها، تاریخ و محل نگارش آنها، مناسبت و هدف از نگارش آنها، و تقسیم‌بندی‌ها و قسمت‌های عمده این دو رساله مطالب مهمی خواهیم آموخت.

نکته ۱. تأسیس اولین کلیساها در اروپا

در طی نخستین سفر بشارتی پولس از سال ۴۷ تا ۴۸ میلاد، پولس و دستیارانش برنابا و مرقس، تنها در آسیای صغیر کلیساهایی تأسیس کردند. اما در جریان دومین سفر بشارتی پولس که بین سالهای ۵۰ تا ۵۲ میلادی صورت گرفت، پولس و دستیارانش سیلاس، تیموتائوس و لوقا به تأسیس نخستین کلیساها در اروپای امروزی مبادرت ورزیدند و نخست در کشور یونان امروزی کلیساهایی تأسیس نمودند. وقتی تاریخ کتاب اعمال رسولان را با محتوای رسالات پولس مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اولین کلیساهای تأسیس شده در اروپا، در شهرهای فیلیپی، تسالونیک، بیریه و قرنتس بنا شدند.

اول. تأسیس کلیسا در تسالونیک. بدرستی نمی‌دانیم که پولس، سیلاس و تیموتائوس در مدت اقامت خود در این شهر در کجا ماندند. در این رابطه از منزل یاسون نام برده شده است، اما معلوم نیست پولس در منزل این شخص اقامت داشت یا اینکه صرفاً در آنجا کار می‌کرد یا تعلیم می‌داد (اعمال ۱۷: ۵). پولس در تسالونیک دو کار انجام داد: برای تأمین نان روزانه خود با دستان خود کار کرد (اول تسالونیکیان ۲: ۹، دوم تسالونیکیان ۳: ۸)، و انجیل را موعظه نمود. او از این جهت برای تأمین احتیاجات خود کار کرد که نمی‌خواست سربار اهالی آنجا باشد، و به‌علاوه نمی‌خواست مردم او را با فلاسفه دورمگردی که اغلب مقاصد خودخواهانه در سر داشتند، اشتباه بگیرند. در همان سه هفته اول که پولس در کنیسه در مورد کتب مقدس با اهالی آنجا مباحثه می‌کرد، برخی از یهودیان و نیز تعداد کثیری از غیریهودیان خداترس و گروه بزرگی از زنان سرشناس در مورد آنچه پولس می‌گفت مجاب شدند (اعمال ۱۷: ۱-۴). بزودی بسیاری از بت‌پرستان تسالونیک نیز دست از پرستش بت‌ها برداشتند و به سوی خدای حقیقی روی آوردند (اول تسالونیکیان ۱: ۹). این مسیحیان جدید، از الگوی پولس، سیلاس و تیموتائوس پیروی می‌کردند. به عبارت دیگر، آنها با سرمشق گرفتن از مسیحیان بالغ‌تر، یاد گرفتند که چگونه زندگی مسیحایی داشته باشند (اول تسالونیکیان ۱: ۷)، و فشارها و جفاهایی که بویژه از سوی یهودیان متوجه آنها بود، به هیچ وجه موجب دلسردی‌شان نمی‌شد. مسیحیان کلیسای تسالونیک بزودی خود الگو و نمونه‌ای برای مسیحیان سایر مناطق شدند. آنها نه تنها در شهر خودشان تسالونیک، بلکه در تمام استان مقدونیه و نیز در آخائیه که استان مجاور بود، پیام انجیل را موعظه می‌کردند. بدین ترتیب ایمان مسیحیان تسالونیک در همه جا بر سر زبانها افتاد (اول تسالونیکیان ۱: ۸).

دوم. جفای مسیحیان در تسالونیک. یهودیان تسالونیک کار پولس را نوعی "موفقیت" تلقی می‌کردند و از این رو از حسد و خشم پر شدند. آنان به کمک عده‌ای از ارادل و اوباش به خانه یاسون هجوم بردند، به این تصور که پولس و یارانش در آنجا هستند. اما وقتی آنها را نیافتند، یاسون و برخی از نوایمانان را کیشان کیشان نزد مقامات شهر بردند و فریادکنان گفتند: "این مردان که همه دنیا را به آشوب کشیده‌اند، حال به اینجا آمده‌اند... اینان همگی از فرمانهای قیصر سرپیچی می‌کنند و مدعی آنند که شاه دیگری هست بنام عیسی." (اعمال ۱۷: ۶-۷). توجه داشته باشید که دشمنان این مسیحیان به دروغ آنها را متهم می‌کردند به اینکه برضد دولت شوریده‌اند. مردم و مقامات شهر با شنیدن این سخنان برآشفتمند، بنابراین یاسون و سایرین را به قید ضمانت آزاد کردند (اعمال ۱۷: ۸-۹). در همان شب، برادران مسیحی در تسالونیک به این نتیجه رسیدند که صلاح نیست پولس و سیلاس در تسالونیک بمانند، بنابراین آنان را به شهر دیگری بنام بیریه فرستادند (اعمال ۱۷: ۵-۱۰).

نکته دوم. نویسنده، مناسبت و تاریخ و محل نگارش دو رساله اول و دوم تسالونیکیان

اول. نویسنده رسالات اول و دوم تسالونیکیان. هر دو رساله اول و دوم تسالونیکیان با این کلمات آغاز می‌شوند: "از پولس و سیلاس و تیموتائوس". بر اساس اول تسالونیکیان ۲: ۱۸ روشن است که این رساله‌ها را تنها پولس نوشته است. سیلاس که او را سیلوانوس نیز می‌نامیدند، در دومین سفر بشارتی پولس وی را همراهی می‌کرد (اعمال ۱۵: ۴۰). تیموتائوس نیز در این سفر دستیار آنها بود (اعمال ۱۶: ۳). سبک این دو رساله و عبارات و واژگان بکار رفته در آنها آشکارا نشان می‌دهد که این رسالات متعلق به پولس است. گذشته از این، علاوه بر شواهد و مطالب درون خود متن، مدارک و شواهد و آثار خارج از متن نیز دلالت بر این دارد که این دو رساله را پولس نوشته است. چندین نفر از رهبران کلیسای اولیه شهادت می‌دهند که پولس نویسنده هر دو رساله به مسیحیان تسالونیک است. اوزبیوس در حدود سال ۳۰۰ میلادی می‌نویسد که تمامی کلیسا اذعان می‌دارد که هر سیزده رساله منسوب به پولس را خود پولس نگاشته است. سایر پدران کلیسا از قبیل اورِیجن (در سال ۲۲۵ میلاد)، استادش کلمنت اسکندرانی در سال ۱۹۰ میلاد، و تیرتولیان که معاصر وی بود در سال ۱۹۰، همگی این رسالات را منسوب به پولس می‌دانند و به دفعات از آنها نقل‌قول می‌کنند. از بین این شواهد خارجی، مهم‌ترین‌شان از آن ایرنیوس است (در سال ۱۷۰)، زیرا او سفرهای بیشماری انجام داد و تقریباً تمامی کلیساهای جهان مسیحیت روزگار خود را از نزدیک می‌شناخت. ایرنیوس در کتاب خود با عنوان "برضد مرتدان"، هر دوی این رسالات را منسوب به پولس می‌داند و از آنها

نقل قول می‌کند. سنه موسوم به "مورتوری" نیز که تاریخ آن به سال ۱۷۰ میلاد بازمی‌گردد، حاوی فهرستی است از نه رساله پولس که خطاب به هفت کلیسای مختلف در قرن‌س، افسس، فیلیپی، کولسی، غلاطیه، تسالونیکي و روم نوشته شد. در این سند بویژه تصریح شده است که پولس دو رساله به کلیسای قرن‌س، و دو رساله به کلیسای تسالونیکي نوشت. حتی "پلی‌کارپ" نیز که شاگرد یوحنا رسول بود و بعدها اسقف افسس شد، در حدود سال ۱۳۵ میلادی به رساله دوم پولس به تسالونیکي اشاره می‌کند.

دوم. تاریخ و محل نگارش رسالات اول و دوم تسالونیکیان. این دو رساله قطعاً پس از آن نوشته شدند که پولس کلیساهایی را در تسالونیکي تأسیس نمود. بر اساس فصلهای ۱۷ و ۱۸ کتاب اعمال، پولس در دومین سفر بشارتی خود به ترتیب از شهرهای فیلیپی، تسالونیکي، بیریه، آتن و قرن‌س دیدن کرد. این ترتیب با آنچه در اول تسالونیکیان ۲: ۲، ۳: ۱، و ۳: ۶ می‌خوانیم مطابقت دارد. در این آیات به ترتیب به شهرهای فیلیپی، آتن (که تیموتائوس از آنجا نزد ایمانداران تسالونیکي فرستاده شد)، و نیز به مکانی اشاره شده است که تیموتائوس پس از دیدار با مسیحیان تسالونیکي بدانجا بازگشت و پولس نیز رساله به تسالونیکیان را از آنجا نوشت. بنابراین دو رساله اول و دوم تسالونیکیان به احتمال بسیار زیاد در جریان دومین سفر بشارتی پولس، از شهر قرن‌س نوشته شدند. پولس رساله دوم تسالونیکیان را مدت کوتاهی پس از رساله اول نوشت، زیرا او در دوم تسالونیکیان ۲: ۱۵ به نامه اول خود و رهنمودهایی که در آن نامه ارائه داده بود اشاره می‌کند. و اما هدف پولس از نگارش رساله دوم این بود که در خصوص بازگشت مسیح که در رساله اول خود به آن اشاره کرده بود، توضیحات و تعالیم بیشتری بیان نماید.

سیلاس وقتی پولس رسالات اول و دوم تسالونیکیان را می‌نوشت همراه او بود، و در کتاب اعمال نیز از سیلاس تنها در رابطه با سفر بشارتی دوم پولس نام برده می‌شود. پولس به مدت یک سال و نیم در قرن‌س ماند، و در پایان این دوران، یهودیان وی را در حضور گالیو که والی شهر بود به محکمه کشاندند. بر اساس سنگ‌نوشته‌ای که بر روی صخره‌ای آهکی در دلفی کشف شده است، گالیو در ماه جولای سال ۵۱ میلاد والی آخائیه شد. پولس رسالات خود به کلیسای تسالونیکي را پس از بازگشت سیلاس و تیموتائوس از تسالونیکي و پیش از آنکه در حضور گالیو محاکمه شود، نوشت. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که پولس رسالات خود به کلیسای تسالونیکي را در پاییز سال ۵۰ میلادی در شهر قرن‌س به رشته تحریر درآورد.

نکته ۳. هدف از نگارش رسالات اول و دوم تسالونیکیان

رساله اول تسالونیکیان. پولس نگران وضعیت کلیسا در تسالونیکي بود. یهودیان به شدت به مسیحیان جفا می‌رساندند، و مسیحیان نیز که از بین آنها تنها به اسامی یاسون، آریستارخوس و سیکونئوس اشاره شده است، هنوز از لحاظ روحانی افراد بالغی نبودند (اعمال ۱۷: ۵-۹، ۲۰: ۴). این احتمال وجود داشت که این مسیحیان نوایمان تحت فشار خویشان و همسایگان‌شان دوباره به یهودیت یا بت‌پرستی بازگردند. بعلاوه، مسیحیانی که در تسالونیکي زندگی می‌کردند، افراد فقیر و بی‌بضاعتی بودند (دوم قرن‌س ۸: ۲-۳). سیلاس و تیموتائوس در بازگشت به قرن‌س، از تسالونیکي هم اخبار خوش به همراه داشتند و هم اخباری ناگوار. خبر دلگرم‌کننده این بود که مسیحیان تسالونیکي با وجود همه فشارها و زحمات، در ایمان و محبت به یکدیگر استوار مانده بودند (اول تسالونیکیان ۳: ۶-۸). این خبر خوش پولس را تشویق کرد که پیام انجیل را در قرن‌س نیز موعظه کند (اعمال ۱۸: ۵)، و باعث شد رساله اول تسالونیکیان را بنویسد. هدف پولس از نگارش این نامه این بود که مراتب قدرانی و سپاس خود را بخاطر آنچه که خدا در مسیحیان نوایمان تسالونیکي و از طریق آنها انجام می‌داد بیان نماید، و این مسیحیان جدید را به رشد مداوم در ایمان تشویق کند. اما خبر بد این بود که این مسیحیان دشمنانی داشتند که سخت می‌کوشیدند جلوی نفوذ پولس را بگیرند و کلیسای مسیح در تسالونیکي را نابود سازند. این عده در مورد پولس شایعات بی‌اساسی منتشر می‌کردند و انگیزه او را در تأسیس کلیسا زیر سؤال می‌بردند. آنان می‌گفتند که پولس می‌خواهد اهالی تسالونیکي را فریب دهد و با چالپوسی و تملق مردم را بسوی خود جلب نموده، تحسین آنها را نسبت به خود برانگیزد، و اینکه او با ظاهرسازی بر حرص و طمع خود سرپوش می‌گذارد (اول تسالونیکیان ۲: ۳-۱۰). خبر ناگوار دیگر این بود که مسیحیان تسالونیکي در خصوص بازگشت مسیح دچار ابهام و سردرگمی بودند. برخی از آنها انتظار داشتند که مسیح هر آن برگردد، و از این رو دیگر نیازی نمی‌دیدند که برای تأمین روزی خود کار و تلاش کنند. برخی دیگر نیز نگران آن بودند که مسیحیانی که فوت کرده‌اند نتوانند به هنگام بازگشت مسیح در جلال او سهم داشته باشند.

بنابراین پولس رساله اول خود به ایمانداران تسالونیکي را به این هدف نوشت که اولاً به اتهامات کاذبی که در مورد شخصیت و انگیزه‌های او مطرح شده بود پاسخ دهد (فصلهای ۱ و ۲)، ثانیاً مراتب خوشی و قدرانی خود را بخاطر کارهای نیکویی که خدا در ایمانداران تسالونیکي و از طریق آنها انجام می‌داد ابراز نماید (فصل ۳)، ثالثاً حقیقت را در مورد بازگشت مسیح به آنها تعلیم دهد و بگوید که مسیحیانی که پیش از بازگشت مسیح درگذشته‌اند چه سرنوشتی خواهند داشت (۴: ۱۳ تا ۵: ۱۱)، و بالاخره به آنان یاد دهد که حال که از قید بت‌پرستی و اعمال غیراخلاقی آزاد شده‌اند، چگونه باید مسیحی‌وار زیست کنند. پولس تأکید می‌ورزد که کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند باید کاملاً از هرگونه بت‌پرستی، شهوترانی و اعمال غیراخلاقی که از خصوصیات بت‌پرستان است دست بشویند. او همچنین بر این واقعیت تأکید می‌کند که مسیحیان باید به رهبران کلیسا احترام بگذارند، یکدیگر را محبت نمایند، با یکدیگر در صلح و آرامش بسر برند، و مخصوصاً به مسیحیان ضعیف و نیازمند کمک کنند و در قدوسیت رشد نمایند.

رساله دوم تسالونیکیان. پولس مدت کوتاهی پس از نگارش رساله اول، بار دیگر در مورد وضعیت مسیحیان تسالونیکي خبرهایی دریافت کرد. او احتمالاً این اخبار را از طریق کسانی که نامه اول را به ایمانداران تسالونیکي رسانده و حال بازگشته بودند، شنید. خبر دلگرم‌کننده این بود که مسیحیان تسالونیکي با وجود جفاها و فشارهای شدید، کماکان در ایمان رشد می‌کردند

(دوم تسالونیکیان ۱: ۳-۴). اما خبر ناگوار این بود که در خصوص بازگشت مسیح همچنان سوء تفاهماتی وجود داشت. پولس در رساله اول خود تعلیم داده بود که بازگشت مسیح، ناگهانی و غیرمنتظره خواهد بود (اول تسالونیکیان ۵: ۱-۳). برخی مسیحیان این گفته پولس را چنین تعبیر کرده بودند که بازگشت بیدرنگ اتفاق می‌افتد. ظاهراً نبوت یا گفته یا نامه‌ای نیز رواج پیدا کرده بود که برخی آن را منسوب به پولس می‌دانستند و در آن گفته شده بود که بازگشت مسیح پیشاپیش اتفاق افتاده است (دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۲). خود این شایعه نیز بر ابهام و سردرگمی در مورد بازگشت مسیح افزوده بود. بنابراین هدف پولس از نگارش رساله دوم تسالونیکیان این بود که اولاً مراتب قدردانی خود را از بابت اینکه ایمانداران تسالونیک با وجود فشارها و زحمات کماکان از لحاظ روحانی رشد می‌کردند ابراز نماید و به آنها بگوید که مسیح بهنگام بازگشت خود دشمنان‌شان را مجازات خواهد کرد اما آنها به جلال خواهند رسید (فصل ۱). ثانیاً می‌خواست کسانی را که در مورد بازگشت مسیح دچار سردرگمی بودند آرام کند و به آنها بگوید که پیش از بازگشت، نخست باید برخی وقایع خاص رخ دهد (فصل ۲). پولس همچنین می‌خواست از طریق این رساله از ایمانداران تسالونیک بخواهد که از تعالیم رسولان پیروی کنند، و در خصوص آن نامه خیالی و دروغین که حقیقت را در مورد بازگشت مسیح مخدوش می‌ساخت به آنها هشدار دهد (فصل ۲). و بالاخره پولس می‌خواست در خصوص نحوه برخورد با اندسته مسیحیان که از تعالیم رسولان اطاعت نمی‌کردند، رهنمودهایی ارائه دهد (فصل ۳).

نکته ۴. تقسیم‌بندی‌های رسالات اول و دوم تسالونیکیان.

رساله اول تسالونیکیان. از آنجا که رساله اول تسالونیکیان دارای چندین موضوع بسیار مهم است، نمی‌توان تمام رساله را زیر یک عنوان خلاصه کرد. احتمالاً عنوانی خوب برای این رساله می‌تواند چنین باشد: “پولس به مسیحیان نوایمان در تسالونیک می‌نویسد”

رساله اول تسالونیکیان را می‌توان به پنج قسمت تقسیم کرد:

قسمت اول: فصلهای ۱ تا ۳: ۵. پولس به یاد می‌آورد که پیام انجیل چگونه به تسالونیک رسید.

قسمت دوم: فصل ۳: ۶-۱۳. پولس از اینکه ایمانداران تسالونیک با وجود تمام زحمات و جفاها همچنان از لحاظ روحانی رشد می‌کنند، ابراز شادی می‌کند.

قسمت سوم: فصل ۴: ۱-۱۲. پولس از مسیحیان تسالونیک می‌خواهد که پیوسته مقدس زندگی کنند و نسبت به دیگران محبت داشته باشند تا احترام مردم بیرون را نسبت به خود برانگیزند.

قسمت چهارم: فصلهای ۴: ۱۳ تا ۵: ۱۱. پولس در مورد بازگشت مسیح به ایمانداران تسالونیک تعلیم می‌دهد. مسیحیانی که به‌هنگام بازگشت مسیح هنوز در قید حیات باشند هیچ رجحان یا برتری بر مسیحیانی که قبل از بازگشت درگذشته‌اند نخواهند داشت. و ضمناً بازگشت واقعه‌ای ناگهانی و غیرمنتظره خواهد بود و همه مسیحیان و غیرمسیحیان را غافلگیر خواهد کرد.

قسمت پنجم: فصل ۵: ۱۲-۲۸. پولس در این قسمت از مسیحیان تسالونیک می‌خواهد که از رهبران‌شان اطاعت کنند، با یکدیگر در صلح و صفا بسر برند، به ضعفا کمک کنند، و مسیحی‌وار زیست نمایند.

رساله دوم تسالونیکیان. موضوع اصلی رساله دوم تسالونیکیان “بازگشت مسیح” است. این رساله را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

قسمت اول: فصل ۱. هدف از بازگشت مسیح این است که عیسی مسیح کسانی را که از پیام انجیل اطاعت نکرده‌اند مجازات نماید و در مسیحیان جلال یابد. پولس دعا می‌کند که خدا تمامی مقاصد نیکو و هر عملی را که از ایمان مسیحیان تسالونیک سرچشمه می‌گیرد، عملی سازد. همچنین دعا می‌کند که مسیح در آنها جلال یابد.

قسمت دوم: فصل ۲. پولس در این قسمت می‌گوید که پیش از بازگشت مسیح، نخست “آن عصیان” واقع خواهد شد که منظور ارتداد و سرکشی در برابر خداست و آن مرد ضد قانون ظاهر خواهد گردید. پولس از مسیحیان تسالونیک می‌خواهد که استوار بمانند، و دعا می‌کند که خدا آنها را در هر کردار و گفتار نیکو تشویق و تقویت نماید.

قسمت سوم: فصل ۳. بازگشت مسیح نباید موجب هرج و مرج و بی‌نظمی و اغتشاش باشد، بلکه مسیحیان باید در عین حال که با آرامش و اطمینان منتظر بازگشت خداوند هستند، به کارهای روزانه خود ادامه دهند، از تعالیم رسولان اطاعت نمایند، و دعا کنند تا پیام مسیح به سرعت در همه جا گسترش یابد و تکریم شود.

نکته ۵. پیام‌های اصلی رسالات اول و دوم تسالونیکیان

اول. محتوای پیام مسیحیت. پولس چنین تعلیم می‌دهد که نبوت‌هایی که در عهدعتیق در مورد ظهور مسیح موعود شده بود، همگی در عیسی مسیح تحقق یافت. عیسی مسیح مرد و قیام کرد، و بار دیگر به این جهان باز خواهد گشت. پولس همچنین تعلیم داد که بت‌پرستی گناه بزرگی است، مسیحیان باید به شایستگی فرزندان خدا رفتار کنند، و در دنیایی شریر، رفتار و کرداری باوقار و آرام و توأم با نظم داشته باشند.

دوم. شیوه بشارت به پیام مسیح.

یک. پولس پیش از آنکه پیام انجیل را برای دیگران موعظه کند، اول خودش به این پیام عمل نمود (متی ۲۳: ۳). به همین خاطر است که توانست خطاب به ایمانداران تسالونیک بنویسد: “ نیک می‌دانید که بخاطر شما چگونه در میان‌تان رفتار کردیم.” (اول تسالونیکیان ۱: ۵). مردم فقط نمی‌خواهند خبر خوش انجیل را بشنوند، بلکه همچنین می‌خواهند تأثیر این خبر خوش را در زندگی ایمانداران به مسیح ببینند. نمونه‌ای که واعظین مسیحی از رفتار و کردار روزانه خود بر جای می‌گذارند، به اندازه حقیقتی که بدان موعظه می‌کنند مهم است.

دو. پولس بهنگام موعظه به هیچ وجه سعی نمی‌کرد مردم را راضی و خشنود نگه دارد. او هیچگاه به تملق و چاپلوسی متوسل نمی‌شد و ظاهرسازی نمی‌کرد تا بر حرص و طمع سرپوش بگذارد (اول تسالونیکیان ۲: ۴). او در انگیزه‌ها و سخنانش کاملاً جدی بود.

سه. پولس پیام انجیل را نه به قدرت شخصیت خودش، بلکه به قدرت روح‌القدس که قادر است مردم را در مورد گناه و عدالت و داوری ملزم کند، موعظه می‌کرد (یوحنا ۱۶: ۸). این قدرت روح‌القدس را معمولاً در کسانی شاهدیم که اغلب دعا می‌کنند. پولس در دوم تسالونیکیان ۱: ۱۱ می‌گوید که پیوسته برای ایمانداران تسالونیکی دعا می‌کند تا تمام مقاصد نیکوی‌شان و تک تک اعمالی که از ایمان آنها منشاء می‌گیرد، به قدرت خدا تحقق یابد و باعث جلال خدا گردد. او همچنین در اول تسالونیکیان ۵: ۱۷-۱۸ به مسیحیان تسالونیکی تعلیم می‌دهد که آنان نیز باید پیوسته دعا کنند و خدا را در هر شرایطی شکر نمایند.

چهار. پولس مانند یک فیلسوف صحبت نمی‌کرد، بلکه بر اساس اعتقاد شخصی خودش سخن می‌گفت و کاملاً یقین داشت که پیامش دارای اهمیتی الهی است (اول تسالونیکیان ۱: ۵). او کلام خدا را نه چون سخنان انسان، بلکه چون کلام خدا بیان می‌نمود که برآستی نیز چنین بود (اول تسالونیکیان ۱: ۲-۱۳).

پنج. پولس همچنین کتابمقدس را تا هفته‌ها با کسانی که پیرامونش بودند مطالعه می‌کرد و در مورد آن مباحثه می‌نمود. در اعمال ۱۷: ۱-۴ می‌خوانیم که او به مدت سه هفته در مورد کتب مقدس با مردم مباحثه می‌کرد و از این طریق به آنان کمک می‌کرد تا درک کنند که عیسی مسیح برآستی همان مسیح موعود است که منتظرش بودند. با آغاز مخالفت‌های یهودیان نیز احتمالاً پولس همین مباحثات را در مکان دیگری ادامه داد. بدین ترتیب می‌بینیم که پولس علاوه بر موعظه مستقیم پیام انجیل، برای بشارت دادن به مردم به بحث و گفتگو و مطالعه کتب مقدس نیز متوسل می‌شد.

شوم. نحوه کمک به مسیحیان نوایمان جهت رشد در ایمان. وقتی روح‌القدس پیام انجیل را بر قلوب مردم اعمال می‌کرد، آنها توبه می‌کردند و به مسیح ایمان می‌آوردند (اول تسالونیکیان ۱: ۵). آنان پیام انجیل را نه بعنوان سخن انسان، بلکه چون کلام خدا می‌پذیرفتند که برآستی نیز چنین بود (اول تسالونیکیان ۲: ۱۴).

در اول تسالونیکیان ۲: ۷-۱۲ می‌خوانیم که پولس با مسیحیان نوایمان به نرمی و ملایمت رفتار می‌کرد و همچون یک مادر از آنها نگهداری می‌نمود. او آنها را دوست داشت و وضعیت زندگی روزانه خود را با آنها در میان می‌گذاشت. اما او این مسیحیان نوایمان را همچون پدری نیز تشویق می‌کرد و به آنان توصیه می‌نمود که مسیحی‌وار و شایسته کسانی که متعلق به پادشاهی خدا هستند رفتار کنند. تعلیم پولس بویژه به مسیحیان واقعی این بود که خدا را خشنود سازند، یکدیگر را محبت نمایند، و از هر نوع انحراف جنسی و شهوترانی دوری جویند (اول تسالونیکیان ۴: ۱-۵). او همچنین از آنان می‌خواست که زندگی آرامی داشته باشند، به کار خودشان مشغول باشند، و با دسترنج خودشان زندگی کنند، تا بدین ترتیب مردم برای آنان احترام قائل شوند (اول تسالونیکیان ۴: ۱۱-۱۲). همچنین پولس به آنان تعلیم می‌داد که به رهبران کلیسا احترام بگذارند، و بویژه به افراد تنبل و کاهل هشدار داده، افراد ترسو را دلگرم کنند، به ضعیفا کمک نمایند، و نسبت به همه مردم صبور و بامحبت باشند (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۵).

چهارم. تعلیم در مورد بازگشت مسیح. تمام وقایع مربوط به بازگشت مسیح پیشتر در دروس قبلی مورد بررسی قرار گرفته است (دروس ۱۲۹ تا ۱۳۰).

تکلیف برای هفته آینده

اول. در طول هفته آینده، اول تیموتائوس ۱-۶ را مطالعه کنید. هفته آینده، رسالات اول و دوم تیموتائوس و رساله تیطس را بررسی خواهیم کرد.

دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید.